

بازنگری جدید فقه حنفی

بر مبنای

مذهب امام ابوحنیفه رحمته الله

با ذکر دلایل از قرآن و سنت

جلد اول

بخش عبادات

مشمول بر مباحث

نماز، زکات، روزه

مؤلف:

عبد الحمید محمود طهماز

مترجم:

سعدی بهبودی

مصحح:

مولوی یار محمد امراء شستان

استاد مدرسه‌ی دینی اشاعت التوحید شهرستان سراوان

سرشناسه	محمود طهماز، عبدالحمید
عنوان و نام پدیدآور	بازنگری جدید فقه حنفی بر مبنای مذهب امام ابوحنیفه.
مشخصات نشر	ترتیب جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	۵-۹۴-۰۲۴۷-۹۶۴-۹۷۸
شابک	فیبا
وضعیت فهرست نویسی	فارسی
یادداشت	فقه و احکام اهل سنت (مذهب حنفی)
موضوع	مولوی یار محمد امراء، مصحح.
رده بندی کنگره	۱۳۹۰ ج ۳ ب ۱۹
رده بندی دبویی	۲۹۷/۲۱۱
شماره کتابشناسی ملی	۱۳۱۰۱-۹۰ م



بازنگری جدید فقه حنفی (بر مبنای مذهب امام ابوحنیفه)

مؤلف	عبدالحمید محمود طهماز
مترجم	سعدی بهبودی
مصحح	مولوی یار محمد امراء شستان
ناشر	شیخ الاسلام احمد جام
توبت چاپ	اول ۱۳۹۳
شمارگان	۳۰۰۰ نسخه
قیمت	۱۲۵۰۰ تومان
چاپخانه	دقت (۶ خط) ۳۱۲۵۰۵۲ - ۵۵۱۱
شابک	۵-۹۴-۰۲۴۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر می باشد.

تلفن مرکز پخش: ۰۵۲۸-۲۲۲۴۴۷۱



سخنی از مصحح:

چقدر زیابند آن لحظاتی که در امر خیر و مثبتی بکار گرفته می‌شوند، غالباً در نمایشگاه کتاب سال ۸۹ هـ. ش زاهدان بود، بنده به زاهدان رفته بودم که در همان نمایشگاه جناب مولانا غلام سرور سربوزی حفظه الله به این حقیر ترجمه‌ی کتاب «الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید» اثر استاد عبدالحمید محمود طهماز را نشان داد، ضمناً ترجمه‌ی فارسی این کتاب حروف چینی و آماده‌ی چاپ شده بود، چنانچه ایشان متقاضی این امر بودند که از سر نو این اثر گرانبها مورد تصحیح و بازبینی مجدد قرار گیرد، از آنجا که مولانا سربوزی ارادت خاصی با این حقیر داشت من هم جواب منفی ندادم و گفتم اگر خداوند بخواهد سعی می‌کنم خواسته‌ی ایشان را بر آورده سازم.

در هر صورت اصل کتاب و ترجمه‌ی فارسی شده آنرا گرفتم و سر فرصتهای بدست آمده وقتی ترجمه‌ی این کتاب گرانبها را مرور نمودم متوجه شدم واقعا نیاز به تصحیح و ویرایش جدید دارد، اما بنابر مشغولیت‌های درسی و موانع و مشکلات دیگری که در پیش رو بود موفق نشدم فوراً این کار را انجام بدهم، به همین خاطر انجام این امر خیر به تأخیر می‌افتاد، چندین بار جناب مولانا سربوزی پیگیر این کار بودند تا اینکه با بودن همه‌ی این مشکلات به خودم گفتم هر طور شده «انشاءالله» این کار مفید و مثبت را انجام بدهم.

واقعا مؤلف کتاب خدمت ارزنده‌ای در راستای شناساندن فقه حنفی در پرتو قرآن و سنت و آثار و اقوال مجتهدین و فقهای بزرگوار نموده و همچنین مترجمین نیز تلاش فراوان برای ترجمه‌ی این اثر ارزشمند نموده‌اند، به همین خاطر عزم را هر چه بیشتر نمودم تا این مجموعه هر چه بهتر و سلیس و روان‌تر در اختیار مردم قرار داده شود تا اینکه هر چه بیشتر از این کتاب مستفید گردند.

البته لازم به تذکر است که مؤلف کتاب در برخی مسائل بنابر تحقیقات و ترجیحاتی که داشته بجای قول امام ابوحنیفه، قول صاحبین را برگزیده‌اند بطور مثال در پایان و آغاز نماز عصر، بجای قول امام ابوحنیفه قول صاحبین را اختیار نموده، احیاناً اگر همچنین مواردی پیش آمد در آنصورت برادران و خواهرانی که موفق به خواندن و مطالعه‌ی این مجموع می‌گردند می‌توانند با علمای برجسته‌ی خویش تماس برقرار کنند و قول مفتی به را از آنان دریافت نمایند.

جای دارد از زحمات مؤلف قدردانی شود خصوصاً در نحوه‌ی ابواب بندی و فصلی بندی مباحث کتاب، ترتیب کتاب طوری جذاب است که هر وقت کسی بخواهد آنرا بخواند احساس خستگی نخواهد نمود، بلکه پیوسته در این فکر خواهد بود که مباحث کتاب پیوسته مورد مطالعه قرار دهد.

در تصحیح و ویرایش و بازنگری مجدد این کتاب سعی شده که اصل هدف و مطالب کتاب فوت

نگردد، اما برای هر چه بهتر بودن آن نیاز به این شده که در برخی جملاتی کلاماتی بر مبنای نکات دستور و آرایشهای نوین بدیعی جا بجا بشوند، ضمناً مترجمین محترم بر خلاف ترتیب مؤلف، آیات و احادیث و آثار در پاورقی‌ها ذکر نموده بودند، اما بنظر هم همان ترتیب مؤلف جالبتر به همین خاطر آنها را طبق اصل ترتیب کتاب ذکر نمودم و به خاطر اینکه دقتی در خواندن احادیث و برخی دیگر از عبارتهای عربی برای عموم پیش نیاید آنها را اعرابگذاری نمودم.

همچنین اصل کتاب در پنج جلد نوشته و به چاپ رسیده بود، اما وقتی ترجمه‌ی فارسی آنرا نگاه کردم متوجه شدم تعداد صفحات برخی از جلدها زیاد بود به همین خاطر با مراعات نمودن حجم هر جلد، آنها را تبدیل به هفت جلد نمودم تا برای چاپ و بعداً برای خوانندگان ملال و خستگی پیش نیاید.

این را باید بدانیم که ذات باری تعالی اصدق القائلین هستند و آنچه را که رسول الله ﷺ فرموده‌اند یا به شکل قرآن می‌باشد و یا به شکل احادیث، یقیناً هر آنچه را علاوه از قرآن فرموده‌اند باز هم آنها نیز از جانب خداوند می‌باشند، زیرا خداوند خودشان در قرآن می‌فرمایند: «و ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى یوحى» آری گفته‌ی پیامبر در حقیقت همان گفته‌ی الهی می‌باشد، هدف از این کلام این است که هیچ نویسنده و یا مؤلف و یا مترجم و یا مصححی نمی‌تواند خودش را تزکیه نماید، خواسته و یا ناخواسته در نوشتن و یا در تألیف و یا در ترجمه و یا در تصحیح حتی در تایپ، نوعی خطا و یا اشتباهی پیش آید، احیاناً خوانندگان محترم اگر به همچنین مواردی برخورد کردند به هر صورتی که مقدور می‌باشد اطلاع دهند تا در پرتو المؤمن مرآة المؤمن همگی بتوانیم با یکپارچگی در پی اصلاح اشتباهات خویش در آئیم، این را هم بدانیم پیوسته دوستان هستند که انتقاد می‌کنند ورنه این را بدانیم که بدخواهان اصلاً انتقاد نمی‌کنند بلکه بر اشتباهات ما سرپوش نهاده ما را مورد تعریف و تمجید قرار می‌دهند تا اینکه ما نمیتوانیم پی به اشتباهاتمان ببریم و خویش را و کارنامه‌هایمان را اصلاح نماییم.

اکنون جلد اول این مجموعه گرانها در اختیار شما می‌باشد، به امید اینکه استفاده‌ی هر چه بیشتر از آن ببرید و هم اینکه آنرا در جامه‌ی عمل و به مرحله‌ی اجرای در بیاورید، به حوال و قوه‌ی الهی جلدهای بعدی یکی بعد از دیگری تصحیح شده و بعد از مراحل چاپ در اختیار شما مشتاقان علم و عمل قرار خواهد گرفت.

در پایان از کلیه‌ی خواهران و برادرانی که موفق به خواندن این مجموعه‌ی ارزشمند قرار می‌گیرند استدعا می‌گردد که در حق مؤلف و مترجمین محترم و خصوصاً در حق مصحح دعای خیر و رستگاری و توفیقات هر چه بیشتر را بنمایند.

مولوی یارمحمد امراء

استاد مدرسه‌ی دینی اشاعت التوحید شهرستان سراوان

۹۹/۱۰/۱۹ هـ ش

مقدمه‌ی مؤلف:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَأَتَمُّ التَّسْلِيمِ عَلَيَّ سَيِّدَتَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَ
أَصْحَابِهِ وَالتَّابِعِينَ لَهُمْ يَاحَسَنَ أَلَيَّ يَوْمَ الدِّينِ.

اما بعد:

از نعمتهای بزرگ خداوند بر امت اسلامی در عصر حاضر این است که بسیاری از فرزندان رشید این امت از سر نو به احکام شریعت اسلامی خصوصا در ارتباط با احکام فقهی که مستقیما از قرآن و از سنت نبوی استنباط می گردند روی آورده‌اند و این رجحان دینی به این خاطر است که قوانین وضع شده‌ی جدید بشری، پاسخگوی نیازهای جامعه انسانی در عرصه زندگی نمی باشد.

بعد از اینکه جهان اسلام در شعله‌های سوزان قوانین سست و بی اساس تدوین شده‌ی شرق و غرب در حال سوختن می باشد و طعم تلخ این قوانین بی اهمیت و بی اساس را هم اکنون در قرن چهاردهم هجری می چشند، به همین خاطر فرزندان مسلمین در پی این شدند تا مجددا و از سر نو احکام غرای شریعت اسلامی را که از سپیده دم طلوعش تاکنون، که آخر قرن چهاردهم هجری است، به چه صورت در سایه‌اش تا اواخر قرن سیزدهم در ناز و نعمت در پرتو شریعت سپری کرده‌اند آنرا دوباره به همان کیان و جایگاه اصلی‌اش باز گردانند.

جهان اسلام در همه‌ی مراحل تاریخی‌اش با توجه به گروههای مختلف و شاخه‌ها و دولتهای مختلف خویش، قانونی بجز احکام شرعی و فقه اسلامی را به رسمیت نشناخته، حتی در همین اواخر که خلافت عثمانی دچار ضعف و سستی گردیده بود و کفار بر آنان تسلط یافته بودند، اما باز هم قوانین اسلامی معیار و ملاک عمل بودند.

از آغاز قرن پانزدهم هجری توجه و تمایل و رجحان مسلمین برای تطبیق و احیای مجدد شریعت اسلامی و رهایی از قوانین تدوین شده و ظالمانه، هر چه بیشتر افزونی یافته و صداها برای مطالبه‌ی قوانین اسلامی بلند گردیده است، در همین رابطه انجمنها و کنفرانسهای متعددی در گوشه و کنار جهان اسلام بصورت رسمی و غیر رسمی برگزار گردیده است.

اکنون بر عهده‌ی علما و کارگزاران و دانشمندان جهان اسلام است که در این میدان و در این برهه‌ی بسیار حساس از زمان، تلاش و جدیت زیادی بکنند تا اجرای احکام اسلامی

را هر بیشتر به مردم نزدیکتر گردانند، و هم اینکه به آسانترین شیوه ای آنان را از احکام و مسایل اساسی و حیاتی آگاه بنمایند و آن احکام و مسایل را با روشهای آسان علمی توأم با دلایل مستحکم ارائه نمایند.

بدون تردید آن سهم بزرگ از شریعت اسلامی که بصورت فقه اسلامی شکل می گیرد، دارای منابع بسیار عظیمی از تجربه ها و مهارت های بسیار بزرگ و مهمی می باشد، در دورترین نقاط شرق و غرب و شمال و جنوب و در میان تیره های گوناگون، و در دشتها و صحراها، و در کوهستانها، و در زمان آسایش و سختی، و در دوره ی پیشرفت و رکود، جوابگوی نیاز امتهای و مردم بوده و مشکلاتشان را به آسانترین طریقه حل می نموده و در هیچ موردی کوچکترین کوتاهی هم ننموده، و از ارایه ی جواب شرعی هیچ مسئله ای درمانده نشده است.

بر ما مسلمانان حرام است با توجه به اینکه (از لحاظ مادی و معنوی) ثروتمند می باشیم دست نیاز و گدایی بطرف دیگران را دراز نمائیم و از قوانین آنها پیروی کنیم، این هم بر ما حرام است با توجه به اینکه خودمان آقا و سرور می باشیم، بیاییم و در کنار سفره ی دیگران بنشینیم.

در همین مورد خداوند می فرماید:

أَفْحَكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ^۱

آیا خواستار حکم جاهلیت اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی بهتر از داوری خدا می باشد.

بسی جای افسوس است که به دنبال روشنائی خیالی و سراب فریبنده بتازیم و بغیر از گرد و غبار چیزی دیگر عایدمان نگردد و جز بدی و دشواری چیزی دیگر نینیم، گویا آیات زیر در باره ی ما نازل شده است

۱: وَآتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي ءَاتَيْنَاهُ ءَايَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ

فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ

ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا ۖ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

۱ ﴿١٧٧﴾

برای آنان بخوان خبر آن کسی را که آیات خود را به او دادیم، اما او از آنها بیرون رفت، آنگاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد. و اگر می‌خواستیم جایگاهش را به وسیله آن (آیات) بالا می‌بردیم، اما او به زمین (دنیا) گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این رو مثالش (حالش) چون مثال (حال) سگ است (که) اگر بر او حمله ور شوی زبان از کام بیرون آورد، و اگر آن را رها کنی (بازهم) زبان از کام بیرون آورد. این است مثال آن گروهی که آیات ما را تکذیب کردند پس این داستان را (برای آنان) حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند، چه زشت است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب و به خود ستم می‌نمودند).

در این سلسله‌ی علمی، برای احکام و دلایل فقه حنفی، پذیرشی متواضعانه برای این حقیقت است، حقیقتی در راستای آگاهی و توجه به التزام گرفتن به محکمترین فقه اسلامی، و فراخوانی است با اسلوب علمی موضوعی برای بازگشت به تمسک و چنگ زدن به احکام آن، از خداوند می‌خواهم این را خالص برای خود بگردانند، و جوانان مسلمان را از آن بهره مند نماید، و آنان را توفیق عملی به احکام شریعت عنایت فرماید، او یاری دهنده و توانا بر این کار می‌باشد.

و صلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله و اصحابه و سلم

عبدالحمید محمود طهماز

مکه مکرمه ۱۴۱۸/۱۰/۱۳ هجری قمری

موافق با ۱۹۹۸/۲/۹ میلادی